

## در دفاع از منشور مطالبات حداقلی تشکل مستقل صنفی و مدنی؛ جنبش حمایت از آن را تقویت کنیم!

منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل مستقل صنفی و مدنی در روز سه شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۲۳ در حالی انتشار یافت که پنج ماه از آغاز انفجار خشم و اعتراض زنان و مردان آزادیخواه ایران علیه قتل دولتی زینا، خشونت ها و تبعیض جنسیتی و علیه فشارهای سنگین گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی می گذشت. این جنبش انقلابی اگر چه از اعتراض ها و جنگ و گریزهای خیابانی هر روزه و پر تلفات سه ماهه اول فاصله گرفته بود، اما در شکل برآمد جنبش مطالباتی کارگران و معلمان و بازنشستگان و اعتراض های توده ای متناوب و روند رادیکالیزه شدن مطالبات مردم تداوم داشت. سرکوب های گسترده و کشتار در سیستان و بلوچستان و کردستان و حملات شیمیایی پی در پی به مدارس نه فقط مردم ایران را مرعوب نکرده، بلکه نیروی همبستگی در میان مردم را تقویت کرده بود. همه جا در کارخانه، در دانشگاه، در مدرسه و خیابان ترس از سرکوب جای خود را به مقاومت و مبارزه و تعرض علیه نیروهای سرکوبگر و کل دستگاه حاکم داده بود. ایستادگی و شجاعت و از خودگذشتگی زنان و مردان جوان در مقابله با نیروهای سرکوبگر انسجام صفوف نیروهای حکومتی را در هم کوبیده بود. تداوم فشار جنبش انقلابی جاری، خطر فروپاشی اقتصادی و انزوای رژیم جمهوری اسلامی در سطح جهانی و منطقه ای و تشدید نزاع و کشمکش در میان سران حکومتی، توازن قوا را عمیقاً به نفع صف مبارزه توده ها، جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی تغییر داده بود. این موقعیت شکننده جمهوری اسلامی و استیصال و درماندگی سران رژیم در مقابله با بحرانهایی که سر تا پای آن را فرا گرفته، زمینه ساز تحرک تازه ای در بین بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای پیشبرد پروژه های اترناتیو سازی از بالای سر مردم ایران شده است.

در چنین شرایطی بیست تشکل مستقل صنفی



## اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲



## ضرورت طبقاتی مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزدها!

منشور رضا پهلوی بخشی از پروژه آمریکا برای اعمال فشارهای کنترل شده بر رژیم جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مهسا!

پیام کمیته مرکزی  
حزب کمونیست ایران  
به مناسبت نوروز و  
آغاز سال نو ۱۴۰۲



## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۲ است.

تکلیف با  
کمیته تشکیلاتی کل کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193  
0046760854015  
004799895674  
00436601195907

تکلیف با  
کمیته تشکیلاتی  
کل کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

اکنون با توجه به جایگاه عینی که انتشار این منشور مطالباتی در اوضاع سیاسی جاری ایران پیدا کرده است، همه نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را فرا می‌خواند که به هر شکلی که می‌توانند از این منشور حمایت کنند. نباید فراموش کرد که جبهه اصلی تقویت این منشور در داخل ایران قرار دارد. این منشور در داخل ایران باید فراگیر تر شود. برای فراگیر کردن آن باید این روحیه را تقویت کنیم که تدوین کنندگان منشور به استقبال انتقادات دلسوزانه و مسئولانه آن بخش از تشکل‌ها، نهادها و فعالین جنبش‌های اجتماعی بروند که هنوز پای منشور را امضا نکرده‌اند.

یکی دیگر از جبهه‌های حمایت از این منشور خارج از کشور است، بویژه آنکه اپوزیسیون راست در این جبهه سازمانیافته تر عمل می‌کنند. خوشبختانه در طی یک ماهی که گذشت احزاب، سازمان‌ها و چهره‌های جنبش چپ و کمونیستی ایران با صدور اعلامیه و اطلاعیه‌های مختلف در حمایت از این منشور، با انجام مصاحبه‌ها و میزگردهای متعدد تلویزیونی، با برگزاری ده‌ها سخنرانی و پانل در کلاب‌هاوس نقش مؤثری در حمایت از این منشور ایفا کرده‌اند. در ادامه همین تلاش‌ها احزاب، سازمان‌ها و نهادهای جنبش چپ و کمونیستی ایران و ده‌ها نفر از فعالین کارگری، زنان و فعالین مدنی و سیاسی حامی این منشور در تدارک برگزاری همایشی در روز ۲۲ آوریل ۲۰۲۳ در شهر کلن - آلمان هستند. حزب کمونیست ایران و کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران که از همان ابتدا از این منشور حمایت کرده است، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را فرا می‌خواند که در این همایش شرکت کنند.

و مدنی در ایران یک منشور مطالبات حداقلی را منتشر کردند. تشکلها و نهادهای امضا کننده این منشور ضمن مخالفت با شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالای سر مردم با تأکید بر «اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور اعلام کردند. این تشکل‌ها از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند خواسته‌اند که از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی بر افراشته‌دارند.»

تدوین کنندگان منشور در واقع بخشی از فعالین و رهبران و نهادهای آن نیروی عظیم چپ اجتماعی هستند که پا جلو گذاشته و پرچم این مطالبات را برافراشته‌اند. جدای از هر ارزیابی متفاوت و یا انتقادی که به مضمون و پروسه تدوین منشور مطالبات حداقلی وجود داشته باشد، این منشور خواسته و مطالبات محوری جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جوانان و جنبش اقلیت‌های تحت ستم را که در یک قرن گذشته بی پاسخ مانده‌اند را بیان کرده و زمینه مناسب تری برای پیوند این جنبش‌ها فراهم آورده است. در این تردیدی نیست که تحقق مطالبات دوازده گانه منشور بدون سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تعرض به سرمایه داری ممکن نیست. این منشور تلاشی در راستای شکل‌گیری رهبری سراسری و پاسخی کوبنده به بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران است که می‌خواهند از بالای سر مردم و با کمک قدرتهای امپریالیستی پروژه‌های آلترا تیبوسازی خود را پیش ببرند.



## منشور رضا پهلوی بخشی از پروژه آمریکا برای اعمال فشارهای کنترل شده بر رژیم جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مهسا!



که بنظر می رسد دو تن از سلبریتی های همراهش از اتوبوس مجانی پیاده شده اند منشور و نقشه راه سیاسی خود برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی جاری در ایران را اعلام کرده است.

منشور رضا پهلوی در حالی که موتور پیش برنده جنبش انقلابی مهسا در کارخانه، خیابان، دانشگاه و مدرسه به حرکت درآمده است، بر فعالیت های خارج از کشور تمرکز کرده تا از این طریق مشارکت کنشگران داخل کشور را فراهم کند. منشور شاهزاده و هم پیمانانش در ابتدا به "ایجاد فشار بین المللی بر جمهوری اسلامی برای لغو حکم اعدام و آزاد کردن بی قید و شرط و فوری تمام زندانیان سیاسی"، "ریزنی با دولت های دموکراتیک برای اخراج سفیرای جمهوری اسلامی" و جلب حمایت از منشور سلطنت طلبان اشاره دارد. این فعالیت هایی که منشور شاهزاده روی آنها تمرکز کرده است، طی سالیان گذشته همواره به عنوان اقدامات و اهرمی در دست آمریکا، دولت های اروپایی و نهادهای حقوق بشری وابسته به آنها برای اعمال فشارهای دیپلماتیک کنترل شده بر رژیم جمهوری اسلامی در راستای منافع سیاسی و اقتصادی این قدرتهای امپریالیستی بکار گرفته شده اند. بنابراین تأکید و تمرکز منشور رضا پهلوی بر این اقدامات قبل از اینکه ربطی به همبستگی با جنبش مهسا داشته باشد، اعلام همبستگی و آمادگی برای تبدیل شدن به وسیله دست آمریکا و قدرتهای

کوه موش زاید. سرانجام و بعد از جار و جنجال های تبلیغاتی رسانه های امپریالیستی حول همایش دانشگاه جرج تاون واشنگتن در دهم فوریه سال جاری، منشور رضا پهلوی و هم پیمانانش حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، شیرین عبادی، مسیح علی نژاد و عبدالله مهدی تحت عنوان منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی" با نام اختصاری (مهسا) در دهم ماه مارس انتشار پیدا کرد.

رضا پهلوی که مأموریت رهبری این پروژه را در دست دارد در جریان جنبش انقلابی مهسا ابتدا تلاش کرد با تبلیغ شعار مردسالارانه و ناسیونالیستی "مرد، میهن، آبادی" در برابر شعار "زن، زندگی، آزادی" ماهیت اهداف این جنبش را مسخ کند و آن را به بیراهه ببرد. در ادامه با سازماندهی باندهای فالانژیست سلطنت طلب و حمله به تجمع های نیروهای چپ و ترقی خواه در خارج کشور خواست که پرچم شیر و خورشید این نماد ارتجاع سلطنت پهلوی را به راهپیمایی های خارج از کشور تحمیل نماید. شاهزاده سپس با سازمان دادن کمپین "وکالت می دهم" و در واقع کمپین "خود صغیرپنداری" و بیعت گیری تحت عنوان وکالت سیاسی، سعی کرد پروژه تحکیم اقتدار فردی خود را پیش ببرد. رضا پهلوی و سلبریتی های هواخواهش در ادامه با برپائی همایش در دانشگاه جرج تاون واشنگتن و به راه انداختن اتوبوس مجانی برای پیوستن مخالفین جمهوری اسلامی وعده دادن منشور را اعلام کرد. شاهزاده روز گذشته دهم مارس در حالی

## فراخوان همایش کلن در حمایت از منشور مطالبات حداقلی تشکل های مستقل صنفی و مدنی در ایران

پانزدهم فوریه ۲۰۲۳ (۲۶ بهمن ۱۴۰۱)، بیست تشکل صنفی و مدنی در ایران منشور مطالبات حداقلی خود را منتشر کردند. این اولین سند تشکل های صنفی و مدنی از داخل کشور بود که بر متن جنبش انقلابی ۱۴۰۱ اهم مطالبات حداقلی مردم و بویژه جنبش های اجتماعی را بیان می کرد. تعداد قابل توجهی از فعالین اجتماعی، اکثریت جریانات چپ و سوسیالیستی ایران در خارج از کشور با وجود ارزیابی های متفاوت درباره کمبودهای آن، از این منشور حمایت کرده اند. این منشور همچنین مورد حمایت تعدادی از اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی قرار گرفته است.

"منشور مطالبات حداقلی تشکل های مستقل صنفی و مدنی ایران" در برگیرنده مطالباتی است که مردم به پا خاسته ایران علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم برای عملی شدن آن ها به میدان آمده اند. مطالباتی که تحقق آن ها در گرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. این منشور با تأکید بر دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود، در تقابل آشکار با پلاتفورم ها و منشورهای جریانات دست راستی قرار دارد که تلاش می کنند از بالای سر مردم، قدرت سیاسی را دست بدست کنند.

در حمایت از این منشور، همایشی در شهر کلن آلمان برگزار می شود. نیروهای برگزار کننده شامل احزاب، سازمان ها و نهادهای جنبش چپ و کمونیستی ایران و ده ها نفر از فعالین کارگری، زنان و فعالین مدنی و سیاسی حامی این منشور هستند.

در جلسات مقدماتی برای تدارک این همایش، یک هیئت، شامل نمایندگان احزاب و فعالین مستقل انتخاب شدند تا برگزاری این همایش را سازماندهی کنند. هیئت برگزار کننده به اطلاع عموم می رساند که همایش حامیان منشور تشکل های صنفی و مدنی ایران در روز ۲۲ آوریل ۲۰۲۳ در شهر کلن - آلمان برگزار می شود. ما همه آزادی خواهان و برابری طلبان را فرا می خوانیم که در این همایش شرکت کنند.

### هیئت برگزار کننده همایش حامیان منشور مطالباتی ۲۰ تشکل صنفی و مدنی ایران

این فراخوان تا کنون مورد حمایت دهها حزب و سازمان و نهاد و صدها نفر از انسانهای چپ و کمونیست قرار گرفته که اسامی آنها در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. %

➔ اروپایی برای تشدید این نوع فشارها بر جمهوری اسلامی در انتظار عمومی و در شرایط سیاسی کنونی است. در این تردیدی نیست که فشارهای دولت آمریکا و دولت های اروپایی بر جمهوری اسلامی تشدید شده است، اما تشدید این فشارها نتیجه موهبت و شاهکار سیاسی رضا پهلوی و هم پیمانانش نیست. تشدید فشارهای دولت آمریکا و دولت های اروپایی بر جمهوری اسلامی در شرایط کنونی اساسا بر دو فاکتور متکی هستند. یکی خیزش انقلابی و شکوهمند توده های مردم ایران با پشتتازی زنان که اعتبار ویژه ای به این جنبش داده و بازتاب جهانی این جنبش در افکار عمومی کشورهای غربی، و دوم تداوم جنگ امپریالیستی در اوکراین و این واقعتی که جمهوری اسلامی با ارسال پهبادها و اعزام مستشاران نظامی اش به جبهه های این جنگ ارتجاعی به بخشی از ماشین جنگی دولت روسیه در جنگ با ناتو تبدیل شده است.

دولت آمریکا، دولت کانادا و دولت های اروپایی که در پیمان ناتو گرد آمده اند همچنانکه بارها و بارها اعلام کرده اند سیاستشان سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، چون پیامد پیشروی جنبش انقلابی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برایشان قابل پیش بینی نیست. از این رو دولت آمریکا و دولت های اروپایی با جلو صحنه راندن رضا پهلوی و هم پیمانانش و جنجال آفرینی تبلیغاتی حول همایش دانشگاه جورج تاون واشنگتن، سخنرانی وی در پارلمانهای اروپایی و برخی همایش های بین المللی و با هیاهو حول منشور شاهزاده به کمک رسانه های امپریالیستی در واقع با یک تیر دو هدف را نشانه گرفته اند. هدف اول اعمال این فشارهای کنترل شده دیپلماتیک و سیاسی توأم با تداوم تحریم های اقتصادی، امتیاز گرفتن از جمهوری اسلامی در منازعه هسته ای، منع تولید موشکهای بالستیک دوربرد، پایان دادن به مداخله گری های نظامی در منطقه و دست کشیدن از حمایت روسیه در جنگ اوکراین و در یک کلام رام کردن رژیم اسلامی است. هدف دوم آمریکا از به جلو صحنه راندن رضا پهلوی و هم پیمانانش برای انتشار منشور و آلترناتیو سازی از بالای سر مردم به بیراهه بردن و به شکست کشاندن جنبش انقلابی توده های مردم ایران است. دولت های آمریکا و اروپا بیش از آنکه نگران ماندگاری رژیم جمهوری اسلامی و سرکشی های آن باشند، نگران پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی توده های مردم ایران و پیامدهای پیش بینی نشده آن بر

را نیروی محرکه جنبش انقلابی جاری نمی دانند، و به تبع آن خواسته ها و مطالباتی را که ریشه در اعماق جامعه دارد و فرودستان این سرزمین سالهاست برای تحقق آنها به میدان آمده، خیزش ها برپا کرده و سینه ها را سپر گلوله کرده و خونشان بر کف خیابان ریخته شده است را مبنایی معتبر برای تدوین منشور خود نمی دانند.

منشور رضا پهلوی و یارانش در حالی که خواسته ها و منشورهای مطالباتی برخاسته از اعماق جامعه و جنبش های اعتراضی در ایران را به هیچ گرفته، اما در مقابل بارها بر اعلام تعهد خود به کنوانسیونهای جهانی تأکید کرده است. منشور رضا پهلوی با وعده تعهد به کنوانسیون های بین المللی در زمینه پذیرش جایگاه زبان های مادری، اعلامیه حقوق بشر، منع شکنجه، رفع تبعیض علیه زنان، حمایت از حقوق معلولین و کودکان و کارگران، در واقع به دولت های غربی اطمینان می دهد که جنبش انقلابی جاری را در چهار چوب این کنوانسیون ها به بند می کشد. منشور رضا پهلوی منشور همبستگی با جنبش انقلابی مهسا نیست، بلکه منشور همبستگی به دولت آمریکا و دیگر دولت های غربی جهت عقیم کردن جنبش انقلابی توده های مردم در ایران است.

کنوانسیون های بین المللی و اعلامیه حقوق بشر که هر کدام مهر اعتراضات توده های تحت ستم در آن جوامع را بر خود دارند، به دلیل تناقضات پایه ای خودشان و به این دلیل ساده که هیچ نهاد توده ای برآمده از پایین ناظر بر اجرای آنها نیست، در دست دولت های سرمایه داری به ابزاری برای پیشبرد منافع سرمایه داران و قدرتهای امپریالیستی تبدیل شده اند. اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرده که هیچ احدی نباید در بردگی نگاه داشته شود، اما نه تنها در مورد ممنوعیت بردگی مزدی در نظام سرمایه داری و استثمار انسان به دست انسان چیزی نگفته، بلکه با محترم شمردن حق مالکیت خصوصی به این نظام مبتنی بر ستم طبقاتی مشروعیت حقوقی و " بین المللی" بخشیده است. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر در هیچ کجای جهان استثمار انسان به دست انسان و اعمال ستم طبقاتی نقض حقوق بشر بحساب نمی آید و دیده بانان جهانی حقوق بشر حتی ملزم نیستند از استثمار و کار مزدی و بردگی آور انسانها به دست سرمایه داران گزارشی تهیه کنند. سالانه به اندازه تلفات یک جنگ کارگران در مراکز کار و تولید در نتیجه تشدید استثمار و ناامنی محیط کار جان خود را از دست می دهند. ➔

جغرافیای سیاسی خاورمیانه هستند. دولت آمریکا از آنجا که فعلا سیاستش سرنگونی جمهوری اسلامی نیست به رضا پهلوی و هم پیمانانش یعنی به بخش حاشیه ای نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای اعمال فشارهای کنترل شده روی آورده است. در واقع آمریکا و دولت های اروپایی هنوز دست اندرکار درست کردن آلترناتیو برای جایگزینی جمهوری اسلامی نشده اند. هر گاه روند پیشروی جنبش انقلابی جاری و تشدید بحران های جمهوری اسلامی، سرنگونی این رژیم را به یک امر بازگشت ناپذیر و اجتناب ناپذیر تبدیل کند، آنگاه آمریکا نقشه خود برای شکل دادن به آلترناتیو حکومتی بعد از جمهوری اسلامی را رونمایی خواهد کرد و آنگاه موعده برگزاری کنفرانس های از نوع کنفرانس گوادلوپ ژانویه ۱۹۷۹ برابر دی ماه ۱۳۵۷ با مشارکت قدرتهای اصلی ناتو فرا خواهد رسید.

رضا پهلوی و هم پیمانانش آلترناتیو حکومتی نیستند، وسیله اعمال فشارهای کنترل شده آمریکا و ناتو برای رام کردن جمهوری اسلامی و جهت به بیراهه بردن جنبش انقلابی جاری هستند. حتی این واقعتی که آمریکا برای پیشبرد پروژه اش در کردستان به تفرقه اندازی در مرکز همکاری نیروهای کردستان و به حاشیه ای ترین بخش نیروهای اپوزیسیون در کردستان روی آورده است، عبدالله مهدی را در هم پیمانی با رضا پهلوی و همدستی با آمریکا دچار تردید نکرده است. عبدالله مهدی روی اسب بازنده شرط بندی کرده است. رضا پهلوی و هم پیمانانش برای تقبل این نقش حقیرانه و ضد انقلابی هم باید رسوا گردند.

\*\*\*

منشور رضا پهلوی و هم پیمانانش که تحت عنوان "منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی" و با نام اختصاری مهسا با هدف اعمال فشارهای کنترل شده بر رژیم جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مهسا انتشار یافته است در کلیه اجزا و سر فصل های خود به این هدف مرکزی وفادار مانده است. این منشور که در مقدمه بر جلب حمایت قدرتهای امپریالیستی به مثابه تکیه گاهی برای مشارکت کنشگران داخل و ایجاد تغییر تأکید کرده است، همین روح را در کلیه بندهایش منعکس کرده است. رضا پهلوی و هم پیمانانش آشکار کارگران و زحمتکشان، معلمان و بانز نشستگان و دانشجویان و تهیدستان شهری

➔ به دلیل همین تناقضات پایه ای اعلامیه جهانی حقوق بشر است که دولت های سرمایه داری تصویب کننده این اعلامیه، ویرانگرترین جنگ ها را تحت لوای دفاع از حقوق بشر برپا می کنند، پناهندگان را به دریا می ریزند، آزادی بیان را زیر پا می گذارند، به رغم مخالفت اکثریت رأی دهندگان سن بازنشستگی را بالا می برند و بی مسکنی و زندگی کردن در زیر خط فقر را به شهروندان خود تحمیل می کنند.

منشور شش نفره در همانحال که بر استقرار یک نظام دموکراتیک به واسطه ی انتخابات آزاد با مشارکت همه ی شهروندان از هر باور و قوم اشاره دارد، اما بر «حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران» تأکید می کند. «حفظ یکپارچگی سرزمینی» نام دیگر حفظ تمامیت راضی ایران و اسم رمز ضدیت با حق تعیین سرنوشت ملت کرد در کردستان ایران و اسم رمز ضدیت با هر نوع مبارزه برای رفع ستمگری ملی تحت عنوان مخالفت با تجزیه طلبی است. منشور رضا پهلوی از زاویه نگاه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی نه فقط بر «حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران» تأکید می کند، بلکه تنها وظیفه ارتش را «دفاع از یکپارچگی سرزمینی کشور» تعریف کرده است. وارث خاندان فاسد پهلوی هنوز هیچی نشده به کمک عبدالله مهتدی چماق ارتش و نیروهای مسلح را بالای سر مردم کردستان و هر ملیتی که احتمالاً در یک رفراوند آزاد قصد جدائی از ایران را داشته باشند نگاه داشته است. در حالی که حفظ اتحاد

و همبستگی مردم ستمدیده ایران تنها از مسیر به رسمیت شناختن حقوق برابر آنان در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به رسمیت شناختن آزادی های بی قید و شرط سیاسی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدایی و تشکیل دولت مستقل می گذرد، منشور رضا پهلوی در برابر خواسته ها و مبارزه حق طلبانه مردم کردستان همان راه دیکتاتوری سلطنتی پهلوی و حکومت اسلامی را ادامه می دهد.

منشور رضا پهلوی و یارانش سپاه پاسداران و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی فاسد رژیم اسلامی را منحل نمی کند، بلکه برای تقویت ارتش سپاه پاسداران تروریست را در آن ادغام می کند، تا با تکیه به آن و با تکیه به دستگاه بوروکراتیک فاسد به ارث رسیده از حکومت اسلامی یکپارچگی سرزمینی ایران و اجرای کنواسیونهای بین المللی را تضمین کند.

منشور رضا پهلوی در زمینه برنامه اقتصادی و رفاهی فقط به از بین بردن انحصارات اقتصادی، رعایت استانداردهای بین المللی بانکی و مبادلات پولی و جذب سرمایه گذاران بین المللی و مبارزه با فساد و پیوستن به کنوانسیون گروه ویژه اقدام مالی (اف ای تی اف) اشاره دارد و از مناسبات و الگوی توسعه اقتصادی مورد نظر خود سخنی به میان نمی آورند. بنابراین باید فرض بر این باشد که رضا پهلوی و پیروانش همانگونه که در بند به بند منشورشان بر تعهدات خود به کنوانسیونهای

بین المللی تأکید کرده اند و از مدل دموکراسی آنها پیروی می کنند در زمینه اقتصادی هم از زاویه منافع طبقه سرمایه دار ایران از همان مدل اقتصاد بازار آزاد و سیاستهای نئولیبرالی رایج در کشورهای سرمایه داری پیروی می کنند که در ایران نیز از زمان رفسنجانی تا کنون البته با مدیریت اسلامی تداوم داشته است. از زاویه نگاه منشور رضا پهلوی کارگران و زحمتکشان ایران بعد از بیش از چهار دهه حاکمیت سرمایه داری و تحمل پیامد سیاست های اقتصادی نئولیبرالی، اینبار باید در انتظار تداوم همان برنامه ها با مدیریت غیر اسلامی باشند.

با این وصف منشور رضا پهلوی و هم پیمانانش حتی قادر به عبور از جمهوری اسلامی با حداقل تغییرات هم نیست. این منشور از زاویه منافع سرمایه داری و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی ضد هر گونه تحول انقلابی و بنیادی در ایران است. این منشور با سازش احتمالی دولت آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی بر سر مسائل مورد منازعه بخش عمده ارزش مصرف خود را از دست می دهد. اگر منشور رضا پهلوی قادر به گذار از جمهوری اسلامی با کمترین تغییرات هم نیست، اما توده های پیا خاسته مردم ایران مدتهاست از رضا پهلوی و منشورش عبور کرده اند. انتشار منشور مطالبات حداقلی تشکل های کارگری و صنفی، منشور دادخواهی مادران خاوران، منشور مطالبات زنان بر خاسته از اعماق جامعه و جنبشهای اعتراضی جاری و انعکاس گسترده آنان بیانگر همین حقیقت ساده است. ■

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دموکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

### ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر



"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"  
نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان  
تلویزیون "آلترناتیو شورایی" همزمان با آغاز سال نو  
شروع کرده است! تلویزیونی آلترناتیو شورایی در روزهای  
سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



## اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

### در مورد تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲

اش برای خوردن، پوشیدن و بهداشت و سلامت است را پردازد.

با توجه به سرسختی دولت و سرمایه داران برای پایین نگه داشتن حداقل دستمزدها، تعیین حداقل دستمزدها متناسب با هزینه تأمین یک زندگی انسانی، و تعیین خط قرمز برای سرمایه داران در پایین نگهداشتن دستمزدها به یکی از مطالبات کارگران و به یکی از گره گاهای جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. بخش پیشرو جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از جنبش طبقه کارگر جهانی با این هدف که کم درآمدترین بخش طبقه کارگر نیز بتواند با توجه به سطح تورم واقعی، نیازمندیهای اساسی زندگی خود را تأمین نماید، بر افزایش حداقل دستمزدها تأکید می کند.

این تعرض لجام گسیخته به زندگی و معیشت طبقه کارگر بر این ارزیابی ابلهانه متکی است که سران حکومت اسلامی تصور می کنند توانسته اند با تکیه بر گسترش دامنه سرکوب و کاستن از دامنه اعتراضات خیابانی جنبش انقلابی توده های به پا خاسته مردم را خاموش کنند، در حالی که درماندگی رژیم در پاسخگویی به مطالبات مردم و ناتوانی دستگاه ایدئولوژیک رژیم جهت مشروعیت بخشیدن به این اوضاع فلاکتبار بر متن فرو ریختن ترس مردم، زمینه ادامه جنبش انقلابی جاری و فوران آتش خشم و اعتراض کارگران و مردم تهیدست را همچنان زنده نگاه داشته است.

در شرایطی که جنبش انقلابی جاری به رغم آنکه از اعتراض ها و جنگ و گریزهای خیابانی هر روزه سه ماهه اول فاصله گرفته، اما استمرار خود را در شکل برآمد جنبش مطالباتی کارگران، معلمان و بازنشستگان و اعتراض های توده ای متناوب در شهرهای مختلف ایران حفظ کرده است، و در شرایطی که افزایش دستمزدها متناسب با تأمین یک زندگی انسانی از مقبولیت اجتماعی برخوردار است، مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها بطور عینی در تداوم و در پیوند با جنبش انقلابی جاری قرار می گیرد. در این شرایط از تشکل ها، فعالین و رهبران کارگری که با کانون های داغ مبارزه کارگران رابطه و پیوندهای زنده و ارگانیک دارند، انتظار می رود، دست به دست هم دهند، دور هم جمع شوند و با نهادینه کردن پیوندها و همکاریهای خود برای سازماندهی اعتراضات و اعتراضات سراسری کارگران حول افزایش دستمزدها بستر سازی کنند. سازماندهی اعتراض ها و اعتصابات گسترده و یکپارچه در کارخانه ها و مؤسسات و مراکز و صنعتی تولیدی بزرگ و کلیدی تنها ضامن تداوم و پیشروی جنبش انقلابی جاری و در هم شکستن تعرض لجام گسیخته حکومت اسلامی سرمایه داران به سطح زندگی کارگران است.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۴۰۲

مارس ۲۰۲۳



سرانجام بعد از چند ماه چانه زنی نمایندگان دولت، نمایندگان سرمایه داران بخش خصوصی و نمایندگان تشکل های کارگری وابسته به رژیم اسلامی در شورای عالی کار، این نهاد ضد کارگری رژیم، میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ را ۲۷ درصد اعلام کرد. بر اساس این تصمیم حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۲ با افزایش ۲۷ درصدی ۶ میلیون و ۴۳۳ هزار تومان برای خانواده ۳.۳ نفری و هشت میلیون و ۲۰۸ هزار و ۳۶۰ تومان برای خانواده کارگری چهار نفری تعیین شده است. شورای عالی کار رژیم افزایش دستمزد برای سایر سطوح مزدی را به میزان ۲۱ درصد تعیین کرده است. تعیین این میزان حداقل دستمزد در حالی است که هزینه سبد معیشت کارگران که از هزینه خوراک و پوشاک و درمان گرفته تا اجاره بهای مسکن و هزینه رفت و آمد و آموزش و تفریح و غیره را نیز شامل می شود، همگی در فاصله زمانی شش ماه گذشته به طور سرسام آور افزایش پیدا کرده اند. یعنی اگر هزینه سبد معیشت در اوائل سال ۱۴۰۱ بالای سیزده میلیون تومان تخمین زده می شد اکنون با توجه به نوسان قیمت پول داخلی، هزینه سبد معیشت خانواده کارگری بین ۲۶ تا ۳۰ میلیون تومان در نوسان است. در این اوضاع بحرانی کارگران قرارداد موقت و یا کارگرانی که در کارگاههای کوچک مشغول به کارند و از شمول قانون کار خارج هستند در شرایط به مراتب بحرانی تری به سر می برند. تحمیل چنین شرایط غیر انسانی و فلاکت باری از جانب رژیم جمهوری اسلامی به کارگران، ادامه منطقی سرکوب گسترده و کشتار، حملات شیمیایی به مدارس و به بند کشیدن زنان و مردان آزادیخواه ایران است که در شش ماه گذشته برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی و برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی عزم جزم کرده و به میدان آمده اند.

دولت ابراهیم رئیسی در ادامه سیاست های نئولیبرالی با اعلام مبلغ تعیین شده برای حداقل دستمزد بار دیگر نشان داد که میخواهد بار سنگین بحران سرمایه داری ایران و ورشکستگی اقتصادی رژیم و زیانهای ناشی از سیاستهای توسعه طلبانه آن و تحریم های بین المللی را با فقر و فلاکت روز افزون به میلیون ها خانواده کارگری تحمیل نماید. دولت رئیسی در حالی به تعرض خود به سطح معیشت کارگران ادامه می دهد که مطابق لایحه بودجه دولت در سال جاری بودجه ارگانهای سرکوب و از جمله تنها بودجه سه نهاد سرکوبگر رژیم یعنی سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و فرماندهی کل انتظامی بیش از دو برابر افزایش یافته است. اما این حاکمان سرمایه زمانی که مسئله افزایش حداقل دستمزد به میان می آید چماق افزایش تورم و میزان "دخل و خرج" دولت را بر بالای سر کارگران می چرخانند. شورای عالی کار دولت رئیسی در حالی حداقل دستمزد ماهانه کارگران را ۶ میلیون و ۴۳۳ هزار تومان در ماه برای سال ۱۴۰۲ تعیین کرده است که تشکل های کارگری مستقل از دولت در ایران با توجه به محاسبه هزینه زندگی ماهانه یک خانوار شهری و با توجه به سقوط ارزش ریال و تورم افسار گسیخته و فزاینده کنونی و تورم مورد انتظار در سال آتی، بر میزان دستمزد ۲۶ تا ۳۰ میلیون تومان در ماه تأکید کرده اند. با اینحال فاصله حداقل دستمزد تعیین شده از جانب "شورای عالی کار" با هزینه تأمین سبد معیشت یک خانواده کارگری نشان می دهد که رژیم اسلامی سرمایه داران حتی حاضر نیست هزینه بازتولید نیروی کار که چیزی جز هزینه مایحتاج روزانه کارگر و خانواده

## ضرورت طبقاتی مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزدها!

دهد. حاصل این وضعیت این می شود که در عمل دستمزد کارگران از ارزش نیروی کارش کمتر می شود، دستمزد به پایین تر از خط فقر مطلق تنزل می کند و کارگر همان چیزی را هم که برای تر و تازه نگاه داشتن نیروی کار و اداره کردن خانواده اش لازم دارد دریافت نمی کند و دستمزد ها چنان سقوط می کنند که برای حفظ جان در بدن کارگر هم به زحمت کفاف میکنند. بله، در این هرج و مرج نظام سرمایه داری، در این هرج و مرج نظام بردگی مزدی که همه امور بر جنگ طبقاتی بر جنگ کارگران و سرمایه داران استوار است، اینکه کارگران بتوانند حتی همان ارزش نیروی کارشان را دریافت کنند و ملزومات یک زندگی انسانی را تامین کنند، صرف انرژی و مبارزه طبقاتی عظیمی را طلب می کند. در این جنگ طبقاتی کارگران به همان میزان که نیروی طبقاتی خود را متحد و همبسته و متشکل به میدان آورند می توانند از پس طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن بر آیند و دستمزد متناسب با تامین یک زندگی انسانی را به سرمایه داران تحمیل کنند. اینکه میزان دستمزد چقدر خواهد بود و اینکه آیا کارگران واقعا ارزش نیروی کار خود و معادل تامین یک زندگی انسانی را دریافت می کنند، در عمل و در دنیای واقع بیش از هر چیز به قدرت طبقه کارگر و توان مبارزه اش با طبقه سرمایه دار بستگی دارد.

در شرایط کنونی که جنبش انقلابی جاری در اشکال مختلف ادامه دارد، و در شرایطی که افزایش دستمزدها متناسب با تامین یک زندگی انسانی از مقبولیت اجتماعی برخوردار است، مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها بطور عینی در تداوم و در پیوند با جنبش انقلابی جاری قرار می گیرد. در این شرایط از تشکل ها، فعالین و رهبران کارگری که با کانون های داغ مبارزه کارگران رابطه و پیوندهای زنده و ارگانیکی دارند، انتظار می رود، دست به دست هم دهند، دور هم جمع شوند و با نهادینه کردن پیوندها و همکاریهای خود برای سازماندهی اعتصابات و اعتراضات سراسری کارگران حول افزایش دستمزدها بستر سازی کنند. سازماندهی اعتراض ها و اعتصابات گسترده و یکپارچه در کارخانه ها و مؤسسات و مراکز و صنعتی تولیدی بزرگ و کلیدی تنها ضامن تداوم و پیشروی جنبش انقلابی جاری و در هم شکستن تعرض لجام گسیخته حکومت اسلامی سرمایه داران به سطح زندگی کارگران است.

چقدر است؟ و میزان دستمزد چگونه تعیین می شود؟ میزان دستمزد تماما به شرایط رقابت و قدرت و زور آزمائی دو طرف بستگی دارد. اینجا کارگر صاحب کالائی است که همان نیروی کارش می باشد، و کالای خودش را بفروش می گذارد. حال اینکه نیروی کار کارگر در مقابل چه دستمزدی خریده خواهد شد، به دو عامل مهم بستگی پیدا می کند. اول اینکه اوضاع بازار از چه قرار است، در حال رونق است یا رکود، تقاضا برای نیروی کار زیاد



است یا کم؟ اما عامل دوم در تعیین دستمزد که اساسی تر است درجه اتحاد و همبستگی و توان ایستادگی و مبارزاتی کارگران است. اینکه آیا کارگران بخوبی متحد هستند که در برابر تلاش سرمایه داران و دولت حامی آنها که می خواهند هر چه ممکن است دستمزد کمتری بدهند، بتوانند ایستادگی کنند یا خیر؟ اگر همه چیز بر وفق مراد باشد یعنی هم تقاضا برای نیروی کار زیاد باشد و هم کارگران متحد و توانایی ایستادگی و مقاومت داشته باشند، تازه کارگران شانس می یابند که دستمزدی را بگیرند که به آنها امکان می دهد، در چهارچوب همان زندگی ای که در جامعه سرمایه داری برای کارگران معمول و متعارف شناخته می شود، کارگر نیروی کارش را تجدید کند و تر و تازه نگاه دارد و در خانواده اش هم کارگران فردا را پرورش دهد. تازه در این حال که بهترین حالت است دستمزد کارگر با ارزش نیروی کارش یعنی معادل آن مقدار وسایل معیشت و ضروریات زندگی است که کارگران برای توان کار کردن و بقای نسلش به آن نیاز دارند.

اما این دو عاملی که بر شمرده ایم، دو عاملی که ممکن می ساخت کارگر دستمزد برابر با ارزش نیروی کارش بدست آورد، در دنیای واقع و در عمل مدام در حال نوسان هستند و غالبا به زیان کارگران است. و این جزو ذات سرمایه داری است که با هر دوره رونق به دوره بحران و رکود می افتد و با وسعت گرفتن بیکاری و غیره رقابت را در میان کارگران دامن می زند و نیروی مقاومت در میان کارگران را کاهش می

شورای عالی کار رژیم جمهوری اسلامی، حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۴۰۲ با افزایش ۲۷ درصدی و با محاسبه مبلغ حق مسکن، بن خواربار و حق اولاد، ۶ میلیون و ۴۳۳ هزار تومان برای خانواده ۳.۳ نفری و هشت میلیون و ۲۰۸ هزار و ۳۶۰ تومان برای خانواده کارگری چهار نفری تعیین کرده است. این نهاد ضد کارگری افزایش دستمزد برای سایر سطوح مزدی را به میزان ۲۱ درصد تعیین کرده است. تعیین این میزان از حداقل دستمزد در حالی است که حتی برخی از نهادهای حکومتی خط فقر را ۱۵ تا ۲۰ میلیون تخمین زده اند. برخی از پژوهشگران مستقل و تشکل های کارگری مستقل از دولت در ایران نیز با توجه به محاسبه هزینه زندگی ماهانه یک خانوار شهری و با توجه به سقوط ارزش ریال و تورم افسار گسیخته و فزاینده کنونی و تورم مورد انتظار در ماههای آینده، هزینه تامین سبد معیشت خانواده کارگری را مبلغی ۲۶ تا ۳۰ میلیون تومان برآورد کرده اند. بنابر این همه آمار و ارقام نشان می دهد که حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری مبلغ سه مرتبه پایین تر از خط فقر تعیین شده است.

اما دستمزد چیست و چرا تا این اندازه تنزل کرده است؟ دستمزد پولی است که کارفرما روزانه، هفتگی یا ماهانه به کارگر می دهد تا کارگر برایش کار کند. کارگر این پول را صرف پوشاک، غذا و کرایه خانه و غیره می کند. یعنی دستمزد می شود همان خرجی که کارفرما روزانه یا ماهانه به کارگر می دهد تا کارگر این مدت را برایش کار کند. یعنی اینکه کارگران کار می کنند، تولید می کنند و طبقه سرمایه دار تمام حاصل کار طبقه کارگر را به جیب می زند و فقط جزئی از حاصل کار را به شکل دستمزد به کارگران بر می گرداند. یعنی دستمزد جزئی از حاصل کار کارگر است که به خود او برگردانده می شود، تا کارگران به مثابه یک طبقه بتوانند ادامه حیات یابند، زنده بمانند و باز هم ثروت طبقه سرمایه دار را تولید کنند. این یکی از قانون های پایه ای و اساس نظام سرمایه داری است، این نظام، نظام بردگی مزدی است. یعنی کارگران مجبورند برای تامین زندگی خود و بچه هایشان، برای تامین نان و پوشاک و مسکن، پاهایشان را به ماشین و ابزار تولیدی که در اختیار سرمایه دار است زنجیر کنند.

اما بالاخره این سهمی که برای تامین بقای اجتماعی کارگران به آنان برگردانده می شود

## استراتژی سیاسی ناسیونالیستی به ستمگری ملی در کردستان پایان نمی دهد!

و در عرصه فرهنگ و ادبیات و هنر به حیات خود ادامه می دهد، و بقایای ستم ملی در گوشه و کنار جهان، هنوز ظرفیت های محدودی را برای حضور ناسیونالیسم در عرصه سیاسی حفظ کرده است.

تحت تأثیر روند جهانی شدن سرمایه داری، سرمایه داران کرد هم حتی باوجدان ترین آنها در پی شکار نیروی کار ارزان و افزایش قدرت رقابت در بازار فروش کالاها و سودآوری بیشتر، مرزها را پشت سر می گذارند. تحت تأثیر همین تحولات بورژوازی کرد انگیزه طبقاتی خود برای ایجاد بازار داخلی در چهارچوب مرزهای جغرافیای سیاسی معین و ضرورت حفظ این مرزها را از دست داده و به تبع آن انگیزه ای هم برای شرکت در جنبش مبارزه برای رفع ستمگری ملی ندارد. احزاب ناسیونالیست در کردستان هم به حکم همین تحولات اجتماعی و اقتصادی چند دهه ی اخیر، بیش از پیش، خود را با گرایش و آرزوهای پایگاه طبقاتی خود منطبق کرده اند و به جای آن که رفع ستم ملی را هدف خود قرار داده باشند، تنها به کسب بخشی از قدرت محلی، از هر طریقی که باشد، رضایت می دهند. ریشه تلاش احزاب ناسیونالیست در کردستان برای نزدیکی به اصلاح طلبان حکومتی و دوم خردادی ها در زمانی که آنها در حکومت برو بیایی داشتند و سپس اپوزیسیون بورژوازی نئولیبرال طرفدار غرب و اخیراً هم سلطنت طلبان و رضا پهلوی و آمادگی آنها برای سازش بر سر مصالح مردم کردستان در مقابل کسب امتیازات ناچیز را باید در همین استراتژی عملی آنها جستجو کرد.

بنابراین اگر چه احزاب ناسیونالیست هر کدام برای باصلاح رفع ستم ملی برنامه ارائه می دهند، اما در واقع، تنها برای کسب بخشی از قدرت محلی و یا سراسری برای حزب خودشان، می کوشند. ستم ملی نردبان به قدرت رسیدن آن هاست، بدون آن که حل واقعی این ستم هدف آنها باشد. آنها هیچ مطالبه ای بر علیه مناسبات کار و سرمایه، بر علیه مناسبات سرمایه داری ندارند و از این نقطه نظر طرفدار حفظ وضعیت موجود هستند. اما این وضعیت چیزی جز ادامه سلطه ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بورژوازی نیست. این چنین است که این احزاب به عنوان احزابی بورژوازی در اپوزیسیون خصلت نمایی می شوند.

برای احزاب ناسیونالیست دخالت

شد، در این صورت شعارها و استراتژی مبارزه ی انقلابی در کردستان نیز لازم است که هم زمان همه ی عرصه های دیگر زندگی اجتماعی را در بر بگیرد. کومه له در بیش از چهار دهه گذشته پرچمدار چنین استراتژی ای بوده و به همین اعتبار جنبش کردستان را به عنوان "جنبش انقلابی مردم کردستان" خصلت نمایی کرده است.

اما ناسیونالیسم نیز این جامعه را تحت تأثیر سیاست و عملکرد خود قرار داده است. ناسیونالیسم به مثابه ایدئولوژی و اهداف سیاسی معین در جامعه ی کردستان نیز مانند



سایر جوامع دیگر همزاد پیدایش و رشد نظام سرمایه داری بوده است. احزاب سیاسی ناسیونالیست و برنامه های سیاسی آنان بر اساس این ایدئولوژی تأسیس و تدوین شده اند. این ایدئولوژی دارای جهان بینی، استراتژی سیاسی، فرهنگ و سنت های خاص خود است.

تاریخ رشد و گسترش سرمایه -داری نشان می دهد که ایدئولوژی و برنامه ی ناسیونالیسم بر اساس نیاز سرمایه داری هر ملت به ایجاد بازار داخلی و منحصر کردن این بازار در چهارچوب مرزهای معین و ضرورت حفظ این مرزها به نیروی توده اهالی، شکل گرفته است. ناسیونالیسم، فرهنگ و ادبیات و هنر و پرچم و سرود و سمبل های خاص خود را برای تسهیل امر بسیج توده ای در خدمت تحقق این هدف طبقاتی به وجود آورده است. با این وجود، سالها است که با رشد خارق العاده و جهانی شدن سرمایه داری و باز شدن همه ی مرزها بر روی حرکت کالا و سرمایه، پایه های اقتصادی ایدئولوژی ناسیونالیستی در سراسر جهان در حال از بین رفتن است. علیرغم این تحولات ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی در میدان سیاست -های روز و مقطعی، در روبروی جامعه

پیدایش و رشد نظام سرمایه داری در ایران، مانند هر جای دیگر در کردستان نیز به مردم این منطقه همچون یک ملت هویت اجتماعی بخشیده است. با این وجود رژیم اسلامی ایران همچون رژیم ها سلطنتی پهلوی حقوق اولیه ی این ملت را انکار کرده و با توسل به میلیتاریسم و سرکوب خونین اجازه نداده است که این ملت سرنوشت سیاسی خود را بر اساس اراده خود تعیین کند. در این راستا، جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم کردستان که یکی از خواسته هایش پایان دادن به ستمگری ملی بوده مورد یورش سرکوبگرانه قرار گرفته است.

مبارزه برای رفع ستم ملی در کردستان عکس العملی توده ای در مقابل تبعیض ها، نابرابریها و بی حقوقی های ناشی از وجود این ستمگری است. اما با وجود جنبه های همگانی این ستمگری ملی، عوارض و بازتاب آن در نزد همه ی اقشار و طبقات جامعه کردستان یکسان نیست. امروز سرمایه داران و صاحبان ثروت در کردستان، بوروکرات هایی که دارای مقام های بالایی در ادارات محلی هستند، فشار چنین ستمی را چندان بر زندگی خود احساس نمی کنند و نفع مادی خود را در واقع در ادامه ی وضعیت موجود جستجو می کنند، اینها به پایه های مادی برای نفوذ رژیم حاکم و اپوزیسیون بورژوازی در صفوف مبارزه مردم کردستان تبدیل شده اند.

اما برای کارگر و زحمتکش کرد زمانی رفع ستم ملی به معنی واقعی تغییری در شرایط زندگی می باشد، که رفع این ستمگری در عین حال به معنای زندگی اقتصادی آسوده تر و محیط سیاسی بازتری برای خود و افق روشن و آینده ای بهتر برای فرزندان باشد. در واقع کارگران و زحمتکشان کردستان فقط برای رفع ستمگری ملی به صف مبارزه نیویسته اند، بلکه با انگیزه رفع ستمگری طبقاتی و تأمین یک زندگی آزاد و مرفه و برابر به صف جنبش انقلابی کردستان پیوسته اند. همین واقعیت به زمینه اجتماعی گسترش نفوذ نیروی رادیکال و سوسیالیست در جامعه ی کردستان تبدیل شده است. اگر بپذیریم که ستم ملی در این جامعه به نیروی اکثریت اعضای آن جامعه که مردم کارگر و زحمتکش هستند رفع خواهد



## به یاد جانباختگان تیم پزشکی اعزامی از سنندج به ترکمن صحرا و همبستگی مبارزاتی مردم ستمدیده ایران



حسین جرجانی و محمد واحدی) را به قتل رساند و سپس با تهاجم به ترکمن صحرا در نهایت وحشی گری به سرکوب مردم آزادیخواه و دستاوردهای آنان پرداخت. مردم مبارز و حق طلب ترکمن صحرا در برابر این تهاجم و در دفاع از آزادی و حقوق مسلم خود دست به مقاومت زدند.

در همان حال در کردستان نیز مقاومتی وسیع و توده‌ای در برابر تعرضات رژیم جمهوری اسلامی در جریان بود و نه تنها ابعاد آن روز به روز وسیع تر و مردمی تر می‌گردید، که رادیکال تر و سازمان یافته تر نیز می‌شد. کومه له که مبارزات مردم محروم و ستمدیده ترکمن صحرا را عادلانه و برحق می‌دانست، کمک و پشتیبانی از این حرکت حق طلبانه را وظیفه خود دانسته و در حد توان و امکانات آن زمانش عملاً به یاری جنبش برخاست و هم بستگی قاطعانه و عملی خود را در این دید که بی درنگ به یاری شان بشتابد. در پاسخ به چنین ضرورتی دست بکار شد و بهره‌مند از حمایت‌های بی‌دریغ مردم در اسرع وقت از جمله با تشکیل یک تیم نه نفره پزشکی و تأمین دارو و امکانات لازم در این زمینه، کاروان کمک رسانی مردم شهر سنندج به مردم ترکمن صحرا را سازماندهی و روانه این منطقه نمود.

این تیم پزشکی و کمک‌رسانی که با شور و شوق انقلابی در انجام وظایف انسانی خود در صدد کمک به مردم محروم و توده‌های مبارز و حق طلب ترکمن صحرا علیه ارتجاع و دیکتاتوری اسلامی بود، متأسفانه به مقصد نرسید و در مسیر راه بر اثر وقوع حادثه رانندگی تمامی این رفقا، جانشان را از دست دادند.

بیکر این عزیزان در میان غم و اندوه بسیار

روز نهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸، نه تن از چهره‌های محبوب و شناخته شده شهر سنندج، نه تن از فعالان و مبارزان جنبش انقلابی کردستان، نه تن از مبارزان کمونیست و انسان دوست رفقا: فایزه قطبی، گلریز قبادی، فریده ذکریایی، جمیل ذکریایی، جمیل سجادی، اسماعیل علی‌پناه، رئوف کمانگر، اسعد وزیری و فتح‌الله لطف الله نژادیان جان خود را در راه اهداف و آرمان‌های انسانی خویش فدا نمودند. نهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸ برای مردم کردستان، بویژه برای مردم مبارز سنندج سرخ، یادآور یکی از روزهای غم‌انگیز و در عین حال، یادآور همبستگی جنبش انقلابی کردستان با مبارزات دیگر ستمدیدگان هم‌سرنوشت در دیگر نقاط می‌باشد.

اوایل بهار سال ۱۳۵۸ آن هنگام که قیام توده‌های مردم ایران بساط دیکتاتوری و ستم رژیم پهلوی را درهم کوبیده و به زیر کشیده بود، در شرایطی که هنوز دو ماه از سر کار آمدن رژیم اسلامی نگذشته بود و در شرایطی که هنوز تب و تاب انقلاب و جوش و خروش مردم انقلابی و بپاخاسته ایران برای رسیدن به اهداف و مطالبات تحقق نیافته خود در جریان بود، مردم ستمدیده و حق طلب ترکمن صحرا با تشکیل شوراهای خود در مقابل حاکمیت رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی به مقاومت و مبارزه برخاستند. اما رژیم اسلامی که از همان اوایل به قدرت رسیدن عزم خود را برای سرکوب انقلاب و مردم آزادی‌خواه و بپاخاسته ایران جزم کرده بود، ابتدا در توطئه‌ای خونین و جنایتکارانه چهار تن از رهبران مبارزات مردم ترکمن صحرا با نام‌های: (شیر محمد درخشنده معروف به توماج، عبدالکریم مختم،

قدرت‌های امپریالیستی در امور ایران فرصتی است که می‌تواند توازن قوا را به نفع آن‌ها عوض کند و زمینه‌های مشارکت آنها را در قدرت محلی و سراسری فراهم نماید. حل مسئله کرد برای آنها دیگر آرمان نیست، آنچه که آنها دنبالش هستند، داشتن سهمی از حاکمیت محلی در جوار دولت مرکزی است و تصور می‌کنند که اینکار از طریق سازشها و اتفاقاتی که در بالای حکومتها روی میدهد و از طریق تقلیل خواسته‌های مردم کردستان و یا دخالت قدرت‌های بزرگ امکان پذیر است. آنها بدون این که از طرف مقابلشان هیچ قول و تضمینی گرفته باشند، به این مطالبات چوب حراج می‌زنند.

برخی از احزاب ناسیونالیست در مقطع فعلی بر روی نقش احتمالی رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان و برخی دیگر روی نقش اپوزیسیون بورژوا نئولیبرال طرفدار غرب در تحولات سیاسی بعد از جمهوری اسلامی و پشتیبانی قدرت‌های غربی از آنها حساب باز کرده‌اند. اما آنچه از هم اکنون روشن است این است که نزدیکی و هم‌پیمانی احزاب ناسیونالیست کردستان با رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان و یا با نئولیبرال‌های ایران هیچ ربطی به منافع مبارزه مردم کردستان ندارد. بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی در ایران بر اساس مواضعی که تاکنون در پیش گرفته‌اند، هر گونه تلاش و مبارزه‌ای با هدف رفع ستمگری ملی را برای حفظ تمامیت ارضی ایران خطرناک میدانند. آنها حق مردم کردستان برای تعیین سرنوشت خود را به رسمیت نمی‌شناسند.

## سپیده قلیان و عبور از دیوار زندانها!

### اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

مردم فراتر از طاقت و تحمل رژیم اسلامی بود. سپیده قلیان را به زندان کوچک اوین بردند، نزد "سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، زهرا زهتابچی، بهاره هدایت، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی" که وی در همان اولین دقایق رد شدن از دیوار اوین خواهان آزادی آنها شده بود. رژیم اسلامی رفتنی است. زندانیان سیاسی تا پایان محکومیت شان در زندان نخواهند ماند. درب زندانها توسط مردم باز و زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی،

زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ / ۱۷ مارس ۲۰۲۳

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



سپیده قلیان، پس از ۴ سال و هفت ماه با فریاد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" از زندان اوین آزاد شد. آزادی او اما فقط ۴ ساعت طول کشید و مجدداً توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ربوده و از زندان بزرگ ایران به زندان کوچک اوین منتقل شد.

سپیده قلیان در اعتصابات کارگران هفت تپه دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد و نامش یادآور هفت تپه ۹۷ است. سپیده قلیان از معدود زندانیانی است که دیوار زندانهای کوچک و بزرگ در مبارزاتش وقفه ای ایجاد نکرد. همراه با اسماعیل بخشی افشاگر شکنجه در زندانها شد. نقش آینه سادات ذبیح پور را در اعتراف گیری زندانیان افشا کرد و در اضافه شدن "بازجو خبرنگار" به ادبیات سیاسی ایران نقش مهمی داشت.

برای آزار وی و خانواده اش به زندانهای متعدد تبعید شد و در هر زندان افشاگر وضعیت وخیم زنان گشت. زنانی که اغلب برای انتقام از همسران و اقوام خود که علیه رژیم اسلامی فعالیت می کردند به گروگان گرفته شده بودند. گزارش هولناکی از اوضاع زنان در "سیاه چال بوشهر، جایی نزدیک آخر دنیا" تهیه کرد و از انواع آزار و تعرض جنسی به زنان توسط مقامات زندان پرده برداشت. در زندان ها شعر گفت و نقاشی کشید. هنگام یک مرخصی کوتاه نمایشنامه تک نفری نوشت و خود آنرا اجرا کرد.

انعکاس و تاثیر فریاد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" سپیده قلیان در فضای سیاسی ایران و در ششمین ماه حرکت انقلابی

مردم شهر سنج و نواحی اطراف و با شرکت دهها هزار نفر از توده های مردم کردستان به خاک سپرده شد. اما هیچگاه یاد و خاطره شان از یادها نرفت.

آنانی که از نزدیک با ترکیب این کاروان به مقصد نرسیده آشنا بودند، می دانستند که مرگ این عزیزان در آن روز و ماه های اول شکل گیری جنبش انقلابی کردستان و در آن دوران حساس چه اندوه بزرگی در میان مردم بوجود آورد و چه ضایعه بزرگی بحساب آمد. این عزیزان را بسیاری از مردم شهر سنج و روستاهای اطراف می شناختند. هر کدام در عرصه های از عرصه های خدمات اجتماعی فعالیت می کردند. آنان کارگر، معلم، فرهنگی و پزشک بودند. مردم شهر و دهات با سیمای محبوب شان با زحمات شبانه روزی شان و با دلسوزی های بی چشمداشت شان آشنا بودند. آنان انسان های درد آشنایی بودند که زندگی خود را وقف رهائی انسان از قید ستم و استثمار کرده بودند و با همین انگیزه در چنین تیمی جای گرفته بودند. آنان در زمره کسانی جای داشتند که خدمت به ستمدیدگان را در طول زندگی مبارزاتی شان تجربه کرده بودند و به همین اعتبار وجود و حضورشان در هر جایی تأثیرگذار بود. اینان اینبار خواسته بودند، در خدمت به مبارزات حق طلبانه دیگری در گوشه دیگری از این کره خاکی ظاهر شوند و داوطلب چنین مأموریتی شده بودند.

این انسان های انقلابی و فداکار بسیار بیشتر از آنچه که تا آن زمان از خود نشان داده بودند، ظرفیت های مبارزاتی داشتند که متأسفانه فعالیت ها و فداکاری های آنان آنقدر به طول نیانجامید که بتوانند بیشتر بر روند مبارزات توده های مردم معترض به حاکمیت اسلامی تأثیرگذار باشند. اگر چه آنان خیلی زود جان باختند، اما مرگ شان درس بزرگی از همبستگی و وفاداری به آرمان برابری طلبانه و انسان دوستانه شان بر جای گذاشت و نام شان برای همیشه در تاریخ مبارزات کمونیست ها و مردم ستمدیده و حق طلب کردستان، ماندگار خواهد ماند.

یاد و خاطره این عزیزان همواره در دل مردم مبارز و توده های ستمدیده و حق طلب در سراسر ایران و در تاریخ جنبش انقلابی کردستان و تاریخ مبارزات مردم ترکمن صحرا، زنده است. گرمی باد یاد رفقا، فایزه قطبی، گلریز قبادی، فریده ذکریایی، جمیل ذکریایی، جمیل سجادی، اسماعیل علی پناه، رئوف کمانگر، اسعد وزیری و فتح الله لطف الله نژادیان. یادشان را با ادامه راهشان گرمی بداریم.

حزب در شبکه های اجتماعی

Peshraw Cpiran  
 Peshraw Cpiran  
 Peshraw Cpiran  
 Peshraw Cpiran

## پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت نوروز و آغاز سال نو ۱۴۰۲

خود را از دست داده است. به این معنا جامعه وارد موقعیت انقلابی شده و روند سرنگونی رژیم هر روزه شتاب بیشتری می گیرد. در چنین شرایطی با توجه به گرانی سرسام آور و سقوط ارزش ریال در مقابل دلار، وجود تورم بالای ۷۰ درصدی مواد خوراکی، قدرت خرید کارگران و اقشار تهیدست جامعه به شکل بی سابقه ای کاهش یافته است. در حالی که تحت حاکمیت این رژیم ورشکسته قیمت یک کیلو گوشت به نیم میلیون تومان رسیده است، امسال نیز سفره نوزوی کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه، بی رونق تر و خالی تر از سالهای گذشته نیز شده است. امسال نیز آنان با جیب خالی در مقابل جگرگوشگان و خانواده شان به خاطر عدم امکان تهیه حتی یک وعده غذای مناسب تحت فشار روحی و عذاب وجدان می باشند. این درحالی است که سران و کاربدستان رژیم فاسد جمهوری اسلامی و دهها هزار از انگلهای جامعه در حوزه های علمیه خرافه، که سفره هایشان از تاراج ثروت و سامان محصول کار و زحمت کارگران و زحمتکشان رنگین و پر رونق است، خم به آبرو نیاورده و چنین نابرابری و ظلمی را طبیعی و نتیجه تحریمها و توطئه دشمن معرفی می کنند.

خامنه ای و فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران به عنوان رهبران دزد و فاسد نظام اسلامی سرمایه، مجرم و عاملان اصلی چنین زندگی فلاکتبار و گسترش فساد و تباهی جامعه هستند. آنان میدانند که جرعه ای که با قتل حکومتی ژینا زده شد، اینک به آتشی تبدیل شده که جنبش انقلابی و سراسری قدرتمندی با استراتژی و رهبری توانا و با صدها هزار فعال کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی با تجربه و آبدیده در سراسر ایران تبدیل شده است و مصمم است تا بنیان این حاکمیت نا مشروع را برافکند. این جنبش عظیم گوشه ای از قدرت خود را در اعتراضات سه روزه چهارشنبه سوری در هفته گذشته نشان داد و با فراخوان علنی و دوره ای تشکلهای فعال جنبش انقلابی، اعتراضات وسیعی در بیش از ۱۲۰ شهر و کلان شهر به راه انداخت. با وجود علنی بودن این فراخوان و علیرغم هشدارها و تهدیدات مقامات نظامی و امنیتی حکومت و علیرغم به میدان آوردن و سب و نیروهای سرکوب و خیل اوباش و ارادل بسیج و مسجد و دیگر نهادهای تحمیق و خرافه و جاسوسی، رژیم درمانده جمهوری اسلامی نتوانست مانع بروز

و تعرض جمهوری اسلامی به حریم شخصی انسانها، به ویژه علیه تبعیض جنسیتی و زن ستیزی درحال گسترش است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم یکدست کردن دولت و مجلس و قوه قضائیه برای مقابله با اعتراضات مردم، در برابر خیزش انقلابی و شکوهمند توده های مردم ایران انسجام صفوف خود را از دست داده است. همه جا در خیابان و دانشگاه، در مدرسه و کارخانه ترس جای خود را به مقاومت و ایستادگی و اعتراض و رودروئی با نیروهای سرکوبگر داده است. دم و دستگاههای وسیع و متعدد نظامی، امنیتی و تحمیق مذهبی توان مقابله با این امواج خروشان مبارزه را ندارند. دختران و پسران جوان مبارز بی محابا در مقابل نیروهای وحشی و سرکوبگر رژیم سینه سپر می کنند؛ با شعارهای کوبنده مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، با برداشتن روسری و سوزاندن آن پایه های ایدئولوژیک حاکمیت نظام سرمایه داری اسلامی را به لرزه در آورده اند.

در برابر فقر و فلاکت بی سابقه، زن ستیزی و بی حقوقی هایی که رژیم جمهوری اسلامی به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است بخشی از تشکل های کارگری و صنفی منشور مطالبات حداقل جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی را بر افراشته اند. این منشور گامی است در راستای گستراندن افق روشن در پیش روی جنبش انقلابی جاری و گامی در راستای شکل گیری رهبری سراسری و پاسخی کوبنده به بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران است که می خواهند از بالای سر مردم و با کمک قدرتهای امپریالیستی پروژه های آلترناتیوسازی خود را پیش ببرند. باید با استقبال از انتقادات دلسوزانه ای که از این منشور مطالباتی مطرح شده است برای فراگیر کردن هر چه بیشتر آن تلاش کرد و جبهه اصلی حمایت از این منشور در داخل ایران را تقویت کرد.

این درحالی است که جمهوری اسلامی با توجه به بحرانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همه جانبه موجود، قادر به پاسخگویی هیچ یک از مطالبات اقشار و طبقات جامعه نیست و در اداره جامعه زیون و نا توان است. روند رویدادها و گسترش و تداوم اعتراضات در شش ماه گذشته نشان داده که سرکوب و کشتار که تنها ابزار بقای رژیم است نیز در مقابل اراده کارگران و توده های مردم برای پایان دادن به چنین اوضاع فلاکتبار سیاسی و معیشتی کارایی



### کارگران، مردم مبارز!

به مناسبت فرارسیدن نوروز، آغاز بهار و سال نو صمیمانه ترین شادباش هایمان را نثارتان میکنیم و برایتان آرزوی شادی و سرفرازی داریم. امیدواریم سال جدید سالی پر دستاورد و کامیابی برای همه شما عزیزان باشد؛ سال پیروزی جنبش انقلابی کنونی بر جمهوری اسلامی و سال به زیر کشیدن این حکومت زن ستیز و ضد انسانی باشد. بگذارید در این فرصت بار دیگر با قلبی مملو از غم و اندوه به همه خانواده هایی که به ویژه طی شش ماه گذشته و در جریان جنبش انقلابی سراسری کنونی، عزیزانشان به دست جانباختگان جمهوری اسلامی چه در خیابان و چه در سپاهچالهای رژیم جان باختند تسلیت بگوئیم. سال نو را به همه زندانیان سیاسی که به جرم دفاع از آزادی و حقوق انسانی خود و هم سرنوشتانشان دستگیر و زندانی شده اند و در سپاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفتند تبریک و تهنیت می گوئیم. نزدیک است آزمان که با پیروزی جنبش انقلابی سراسری بساط این رژیم جنایتکار جمع شود، در زندانها را بشکنیم و همه این انسانهای مبارز و سرفراز را در آغوش گرم خانواده و همزمانشان ببینیم.

### مردم مبارز!

امسال در شرایطی در آستانه نوروز و سال نو قرار داریم که توازن قوای میان نیروی انقلاب و ضد انقلاب جمهوری اسلامی به سود جبهه مبارزه عوض شده است. جنبش انقلابی و سراسری به رغم سرکوب و کشتار، استمرار خود را حفظ کرده است. اعتصابات و اعتراضات کارگران، دانشجویان، معلمان، بازاریان، بازنشستگان، وکلا، هنرمندان و دیگر اقشار جامعه با پیشتازی زنان مبارز، علیه بیکاری، گرانی، تورم، دستمزدها و حقوق نا چیز و علیه دیکتاتوری و سلب آزادی و دخالت

این اعتراضات گسترده شود.

رفقای پیشرو و فعالان سوسیالیست  
جنبش های اجتماعی!

میدانید که جامعه ایران اینک در تب و تاب برپایی یک انقلاب است و در شرایط انقلابی به سر می برد. احزاب و جریانات بورژوا لیبرال و ناسیونالیست در داخل و خارج ایران به تکاپو افتاده اند تا بلکه بتوانند این جنبش انقلابی را از محتوای سیاسی طبقاتی خود خالی و از مسیر درستی که تا کنون در پیش گرفته منحرف سازند. آنان میدانند هدف اساسی این جنبش ایجاد تغییرات بنیادینی است که نه از مسیر اصلاح رژیم جمهوری اسلامی بلکه از مسیر سرنگونی انقلابی آن می گذرد. این جریانات میخواهند با استفاده از فرصتی که پیش آمده، با ایجاد وحدت و هم پیمانی میان خود، به سرهم بندی ائتلاف و اتحادها پردازند. تا در شرایطی که جمهوری اسلامی زیر ضربات وارده از سوی جنبش انقلابی مجبور به عقب نشینی شود، در زد و بند با همدیگر و با حمایت قدرتهای امپریالیستی بار دیگر آنچه را که در سال ۵۷ در گوادلوپ به سر قیام توده های مردم آوردند تکرار کنند؛ آلترناتیوی از بالای سر شما و کارگران و دیگر فعالین سرهم بندی کنند و بدون زیر و رو شدن ساختارهای قدرت جمهوری اسلامی، حکومت را دست به دست کنند.

یقیناً فعالین سوسیالیست کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی نیز در تلاشند تا با تداوم جنبش انقلابی رژیم اسلامی را سرنگون کنند و با استقرار یک حاکمیت شورایی، در مسیر تحقق مطالبات خود و برپایی جامعه ای آزاد و مرفه و برابر گام بردارند. با گسترش سازماندهی توده ای، ایجاد کمیته ها و شوراهای محلات، ایجاد سازمانهای توده ای زنان، ایجاد شوراهای کارگری در مراکز کار و تولید برای ایجاد ملزومات این پیشروی و پیروزی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و تهیدستان تلاش کنیم. با امید به گسترش اتحاد و همبستگی در صف مبارزه کارگران و زحمتکشان و انسانهای به جان آمده از بربریتی که حکومت اسلامی سرمایه داران به جامعه تحمیل کرده است و با امید به پیروز نهایی، بار دیگر فرارسیدن نوروز و بهار و سال نو را به همه زنان و مردان آزادیخواه و مردم مبارز ایران شادباش می گوئیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

نوروز ۱۴۰۲ مارس ۲۰۲۳

## تداوم اعتراضات معلمان و عجز و درماندگی رژیم!

انسانهای شریف و زحمتکش جامعه هستند که با توجه به حقوق و دستمزدهای ناچیزی که جمهوری اسلامی برای آنان در نظر گرفته، دهها سال است با معضلات معیشتی زیادی مواجه شده اند. در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، معلمان برای تأمین هزینه زندگی خود و خانواده مجبور بوده اند پس از کار روزانه در مدارس، دنبال کارهای دیگری باشند و اوقاتی را که لازم است صرف تجدید انرژی و ارتقای ظرفیت و سطح دانش خود جهت تدریس و آموزش و پرورش دانش آموزان کنند را صرف کار اضافی برای تأمین هزینه زندگی خانواده نمایند.

با وجود این فرهنگیان مبارز توانسته اند برای دفاع از حقوق خود در مقابل رژیم معلم ستیز جمهوری اسلامی خود را متشکل نمایند. با تشکیل شورای سراسری صنفی فرهنگیان، تا کنون در موارد زیادی توانسته اند با فراخوانهای برگزاری اعتصاب و اعتراضات بشکل هماهنگ و همزمان در سطح سراسری از مطالبات و حقوق صنفی، سیاسی و اجتماعی خود دفاع نمایند. این فراخوانها از جانب معلمان پاسخ مثبت گرفته است و رژیم نتوانسته مانع اعتصاب و اعتراض آنان شود. بدون شک تشکل سراسری فرهنگیان از این پس نیز با حمایت و پشتیبانی توده معلمان میتواند در جهت تحقق خواست و مطالبات صنفی و سیاسی و پیشبرد مبارزه شان گامهای استوار و با اعتماد به نفس بردارند. جنبش معلمان به عنوان بخشی از جنبش کارگری و به عنوان یک جنبش سازمان یافته و توده ای با برخورداری از حمایت و پشتیبانی دانش آموزان و خانواده هایشان و در همبستگی و اتحاد با سایر جنبشهای اجتماعی، نه تنها قادر خواهد بود رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی و برآورده کردن بعضی از مطالباتشان کنند، بلکه می تواند نقش مؤثری نیز در سیر پیشروی جنبش انقلابی جاری و سرنگونی رژیم جهل و خرافه سرمایه داری اسلامی داشته باشد.

شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان ایران روز سه شنبه هشتم فروردین در گزارشی اعلام نمود که معلمان در اولین تجمع خود در سال ۱۴۰۲، دست کم در ۸ شهر تبریز، ارومیه، کرمانشاه، بجنورد، زنجان، اردبیل، همدان و ملایر همزمان به خیابانها آمدند و در اعتراض به وضعیت معیشتی نا بسامان خود تجمعات اعتراضی برپا کردند. روز ششم فروردین در سقز و زیویه نیز فرهنگیان علیه ادامه بازداشت سلیمان عبدی معلم محبوب و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، که بدون هیچ دلیلی روز ۲۸ اسفند توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، در اداره آموزش و پرورش سقز تجمع اعتراضی برپا کرده و تهدید نمودند در صورت عدم آزادی او اعتراضات گسترده تری را سازمان خواهند داد. اعتراضات چند روز اخیر معلمان در حالی صورت گرفت که قبلاً شورای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه نوروزی خود از فرهنگیان خواسته بود که در صورت عدم برآورده شدن خواست و مطالباتشان از جانب رژیم، خود را برای اعتراضات وسیع و سراسری خیابانی در اردیبهشت ماه آماده کنند.

رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی تا کنون نه تنها مطالبات فرهنگیان را بی پاسخ گذاشته است بلکه اعتراضات آنان را با یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر امنیتی و نظامی و دستگیری و زندان و شکنجه پاسخ داده است. تاکنون نیز بسیاری از اعضای منتخب شورای صنفی فرهنگیان و دیگر فعالین و مدافعان حقوق فرهنگیان را مورد توهین و بی حرمتی قرار داده و زندانی و شکنجه کرده است. این درحالی است که حکومت دانش ستیز و ضد انسانی جمهوری اسلامی، برای حفظ و تداوم خود، هزاران نهاد و مؤسسه تبلیغ و حوزه تولید آخوند به وجود آورده و بودجه های کلانی از حاصل رنج کارگران و مردم زحمتکش را در اختیار آنها قرار می دهد تا با تبلیغ خرافه به فریب و گمراه کردن مردم پردازند و به زندگی مرفه و انگل وار خود ادامه دهند.

معلمان به عنوان بخشی از طبقه کارگر جزو